

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارش ها	Reports
----------	---------

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰/۱۰/۰۳

در افغانستان چه می گذرد؟ (۸۷)

انتخابات مسخره و سیر نزولی رأی دهندگان:

از چند سال به این سو که افغانستان مورد اشغال قرار گرفته است، اشغالگران و عوامل داخلی آنها برای تطبیق دموکراسی امریکائی در افغانستان تبلیغات بسیاری به راه انداخته اند و نمونه تپیک آن را چند انتخابات نشان می دهند. اما وقتی مردم مجریان دموکراسی غربی سیاف، خلیلی، فهیم، محقق و جنایتکاران دیگر را می بینند، به مفهوم اصلی این دموکراسی پی میبرند. همچنان وقتی امریکائی ها که این دموکراسی را به افغانستان آورده اند میبینند که جز قتل و جنایت کاری ندارند بهتر به مفهوم این دموکراسی پی میبرند و منطقاً نباید به این چنین دموکراسی روی خوش نشان دهند. چون این دموکراسی بر اساس بازار آزاد سرمایه داری و رشد بخش خصوصی ممکن است و این سیاست اقتصادی را نیز مردم افغانستان در ۹ سال گذشته آزمایش کرده اند که برای بیش از ۹۰ درصد افراد جامعه جز فقر و برای کمتر از ده درصد سعادت، چیزی به ارمغان نیاورده است لذا هر روز که میگذرد بیشتر از پیش به رأی و انتخاب آن "نه" می گویند. اگر تنها فساد را که حد اقل در کابل بانک به وسیله چپاولگران دارائی های مردم صورت گرفته، مردم ملاک و معیار قضاوت شان در مورد این سیاست قرار دهند، کافیتست که بدانند این اقتصاد بستر ساز برای دموکراسی غربی در افغانستان چه معنی و مفهومی داشته است و به این خاطر و هزاران خاطر دیگر در چهار انتخاباتی که درین ۹ سال در افغانستان سپری شده، شرکت مردم در آنها به شدت سیر نزولی داشته است. نگاه گذرا بر آمار و ارقام شرکت کنندگان درین چهار انتخابات به روشنی نشان می دهد که مردم ازین دموکراسی چه برداشتی داشته و واکنش آنان در برابر آن چگونه بوده است.

در انتخاباتی که در ۱۸ میزان ۱۳۸۳ برای تعیین رئیس جمهور صورت گرفت، تمام واجدان شرایط رأی دهی در آن زمان به ۱۲ میلیون نفر میرسید که از جمله هشت ونیم میلیون نفر یا ۷۰ درصد واجدان شرایط رأی دادند. در آن زمان جوش و خروش عجیبی از سوی مردم دیده شد و مردم از مناطق دور دست برای انداختن رأی به پای صندوق ها می آمدند. در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ که باز هم واجدان شرایط رأی گیری ۱۲ میلیون نفر بود، در آن انتخابات کمی بیشتر از شش میلیون نفر به پای صندوق های رأی رفتند، که حدود ۵۳ درصد مردم در انتخابات

شرکت کرده بودند. در آن انتخابات باشندگان کابل فقط ۲۹ درصد رأی داده بودند. اینکه کمیسیون در آن زمان این مقدار رأی را اعلان کرد، مردم باور نمی کردند، چون محاسبه ابتدائی حاکی از شرکت فقط ۴۷ درصد مردم در رأی گیری بود. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ که ۱۲ و نیم میلیون نفر از واجدان شرایط رأی دهی ثبت نام کرده بودند، فقط ۵ و نیم میلیون در انتخابات شرکت نموده بودند که بعداً یک میلیون رأی باطل اعلان شد و در حقیقت از ۱۲ و نیم میلیون فقط چهار و نیم میلیون نفر به پای صندوق های رأی رفته بودند که ۳۶ فیصد را نشان می دهد. اما در انتخابات اخیر پارلمانی که واجدان شرایط رأی دهی ۱۱ و نیم میلیون اعلان شد، حدود چهار و نیم میلیون به گفته کمیسیون انتخابات درین انتخابات شرکت کرده و تا حال معلوم نیست که چقدر رأی جعلی بوده که باطل اعلان خواهد شد. باتوجه به تقلب، تخلف، کارت های جعلی و صندوق پرشدن های که این بار صورت گرفت و در سه انتخابات دیگر به این گستردگی وجود نداشت باید رأی های بسیاری باطل اعلان شود، در صورتیکه باز هم یک میلیون رأی باطل بوده باشند، درین حال از ۱۱ و نیم میلیون فقط سه و نیم میلیون درین انتخابات به پای صندوق های رأی رفته که ۳۰/۴۳ فیصد را به نمایش میگذارد.

پس سیر رأی دهی در افغانستان از ۷۰ درصد به ترتیب به ۴۳ درصد، ۳۶ درصد و بالاخره به ۳۰/۴۳ درصد رسیده است. از روی این ارقام روشن می شود که دموکراسی رأی و انتخاب در افغانستان چه معنی دارد و این دموکراسی که از سوی غربی ها به افغانستان اهداء شده با چنین مجریانی چه نتایجی داشته و آیا با روند کنونی در آینده، گراف رأی دهندگان را به صفر تقرب خواهد داد؟

جاپان ۵۰ میلیون دالر کمک می کند:

در آخرین دیداری که میان عمر زاخیلوال وزیر مالیه و سفیر جاپان در کابل به امضاء رسید، جاپان کمک ۵۰ میلیون دالری برای پروسه صلح افغانستان را به امضاء رساند. اخیراً تعدادی از کثیف ترین جنگسالاران (ربانی، مجددی، سیاف، خلیلی، محقق، پیرگیلانی، ملا رحمانی، ملا هوتک و چند تن دیگر ازین جراثیم) در ارگ و در حضور کرزی شورای عالی صلح را ساختند و قرار است این شورا روند گفتگو با طالبان را ایجاد نماید. منشی این شورا معصوم استانکزلی یکی از جواسیس قدیم انگلیس تعیین شده و قرار است در آن چند زن نیز شرکت داشته باشند. جاپان که یکی از کشور های تابع امریکا و انگلیس است همیشه تلاش داشته است تا در چنین مواردی پول های فراوانی را به مصرف برساند و اینک درین روند نیز اعلان می دارد که ۵۰ میلیون دالر به افغانستان کمک میکند. جاپان که در افغانستان نیروی نظامی ندارد، یکی از قوی ترین کشور های کمک کننده به افغانستان است که از طریق سفارت جاپان در کابل و از طریق مؤسسه جایکا برای پروسه صلح کمک میکند. جاپان قبلاً به پروسه دایاک یا جمع آوری تسلیحات ممنوع نیز کمک های بسیاری کرد و در حقیقت رهبری و کار این پروسه را به عهده داشت که کاملاً ناکام بود و با ختم این پروسه اعلان شد که هنوز هم در افغانستان ۱۸۰۰ گروپ مسلح غیر مسؤول وجود دارد. اینکه این پروسه به کجا می رسد برای همه معلوم است چه در صورتی که امریکا و پاکستان نخواهند تا چنین کاری صورت گیرد پروسه هائی ازین قبیل قطعاً کامیاب نخواهد شد. با اینکه جاپان به این پروسه مبلغ کلانی را کمک کرده است، اما هیچگونه امکانی برای پیروزی این پروسه به نظر نمی رسد. زیرا امریکائی ها اعلان کرده اند که این پروسه خوب است، اما ما در آن شرکت نخواهیم کرد و به این خاطر کرزی حال با شور و شوق گذشته درین مورد حرف نمی زند.

عمل انتحاری برملکی ها زیان وارد کرد:

به تاریخ ۲۶ سپتمبر حینیکه یک موتر بس ۳۰۳ از ولسوالی بلخ به سوی شهر مزار شریف در حرکت بود، و به کاروان نیرو های سویدنی نزدیک شد، یک موتر کرو لای بار از مواد انفجاری توسط فرد انتحاری در آن منطقه منفجر شد، درین حمله با اینکه یک موتر کاروان سویدنی ها چپه شد، اما به سربازان آن آسیبی نرسید، اما در اثر این انفجار قسمت پیشروی موتر کاملاً خراب شد. این موتر عروسی را انتقال می داد و در آن تعداد زیادی زن و طفل سوار بودند، در اثر این حمله در آن ۲۹ تن زخمی و یک طفل کشته شد. زخمی ها به شفاخانه مرکز شهر مزار انتقال یافتند. این حمله با این همه زخمی غیر نظامی در حالی صورت می گیرد که ملا عمر در پیغام عید خود جداً خواهان جلوگیری از قتل غیر نظامیان شد. اما دیده میشود که جنایتکاران طالب که بیحد شیفته رفتن به بهشت و رسیدن به حور و غلمان اند، به دستورات رهبر خود هم توجه نکرده و اینگونه در میان مردم عوام خود را منفجر میکنند.

قاری منصور کشته شد:

روز چهار شنبه ۲۲ سپتمبر یک تن از فعالان گروه حقانی توسط نیرو های هوایی ناتو در شرق کابل به قتل رسید. این قومندان که قاری منصور نام داشت، یکی از فعالان مهم گروه حقانی در کابل بود. او که با پنج تن دیگر برای عملیات در شهر کابل آمادگی میگرفت توسط نیرو های امریکائی شناسائی شده و با پنج تن از همراهان طالبش یکجا در اثر عملیات هوایی که به وسیله هلیکوپتر انجام یافت، به قتل رسیدند. قتل ملا منصور ضربه سختی بر گروه حقانی است، اما خود این گروه تا حال از قتل این قومندانش چیزی نگفته است.

۹۳۰ کیلومتر خط ریل:

یک قرارداد پر مصرف در کابل میان وزارت معدن و سفارت چین به تاریخ ۲۶ سپتمبر به امضاء رسید. این قرار داد که مصارف ۴ میلیارد دالری آن از سرمایه بانک انکشاف آسیائی پرداخته می شود، قرار است خط ریل را از تورخم به کابل و بعد از کابل به غوربند و بامیان و بالاخره به دو راهی حیرتان در شمال کشور وصل نماید. اینکه این کار چقدر عملی خواهد بود، در آینده باید دیده شود. زیرا راهی که برای امتداد این خط در نظر گرفته شده است. بسیار کوهستانی میباشد. حال در قدم اول طرح و دیزاین این خط در نظر گرفته شده است. این برای بسیاری از افغانها بسیار مهم است چون تا هنوز در افغانستان خط ریل وجود ندارد. چینی ها تلاش میکنند تا این خط ساخته شود، زیرا مس عینک را خریده اند و با این خط می توانند قسمت زیادی از حاصل این معدن را با این خط به چین انتقال دهند. به این خاطر چینی ها در داوطلبی این پروژه را برده اند.

عملیات در قندهار:

از زمان فرماندهی جنرال مک کریستال امریکائی در افغانستان، پلان عملیات تصفیه ئی در قندهار روی دست گرفته شده بود. در آن زمان این عملیات را امید نام گذاشته بودند. اما در آن زمان گفته می شد که حمله به دستور کرزی آغاز خواهد شد. مگر هیچگاهی چنان حمله ای شروع نشد و مک کریستال بالاخره از سمتش برکنار و پتریوس به جای او آمد که برخی ها در آن زمان یکی از علت های مخالفت کریستال با سیاست های اوباما را درین تلاش مک کریستال می دید. زیرا او تصمیم داشت تا واقعاً قندهار را از وجود طالبان پاکسازی کند، اما سیاست

اصلی کاخ سفید این نیست که طالبان در مهمترین مقر آنان که قندهار است پاکسازی کردند. زیرا پاکسازی طالبان از قندهار در حقیقت ختم کار طالبان و ختم به ظاهر ماموریت امریکا در افغانستان خواهد بود، چیزیکه امریکائی ها هرگز بدان تن نخواهند داد.

عملیات امید که تدارک بسیاری برای انجام آن مد نظر گرفته شد بود، به وسیله پتریوس دنبال نشد و کرزی هم خود را آرام گرفت. اما بعد از آمدن پتریوس تا حال چندین عملیات محدود به وسیله نیروهای امریکائی در قندهار انجام یافته است. اینک از این ولایت گزارش می رسد که امریکائی ها از روز ۲۴ سپتمبر عملیات مهمی را در ولسوالی ژیری این ولایت به راه انداخته اند. این ولسوالی به قول سخنگوی نیرو های ناتو یکی از محل های بسیار مهمی است که طراحی حمله بر کاروان های ناتو در جاده قندهار- هرات ازین طریق انجام میگردد. این جاده از مهمترین شاهراه های افغانستان است که چندین ولایت را در جنوب و غرب افغانستان با هم وصل می سازد و عبور و مرور کاروان های ناتو بر این جاده از هر جایی بیشتر میباشد. اینکه عملیات ژیری چه نتیجه ای خواهد داد از حالا معلوم است که فقط برای مدتی موقت فشار نسبی را بر این جاده کاهش خواهد داد، اما این کاهش برای دایم نخواهد بود، چون سیاست امریکا چنین چیزی در افغانستان نیست.

درخواست نیروی نظامی از بنگله دیش:

اخیراً ریچارد هالبروک نماینده خاص اوباما در امور افغانستان و پاکستان در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در ملاقاتی با وزیر خارجه بنگله دیش از آن کشور خواسته است تا نیرو های بنگله دیشی هم وارد افغانستان شوند و در جنگ افغانستان در کنار نیرو های ناتو قرار گیرند. وزیر خارجه بنگله دیش بدون اینکه این درخواست را رد کرده باشد، تصمیم نهائی درین مورد را موکول به بحث و تصمیم در "داکا" کرد و از روحیه ابتدائی وزیر خارجه بنگله دیش معلوم میشود که این کشور به شرکت در این جنگ به نفع امریکا چندان بی اشتها نیست. در حال حاضر از کشور های اسلامی فقط ترکیه در نیرو های غربی در افغانستان شرکت دارند و بر دوستم و نیرو های او سرمایه گذاری کرده است. حال که برخی از کشور های اروپائی تصمیم به خروج از افغانستان گرفته و تا حال حد اقل هالند نیرو هایش را از افغانستان خارج کرده است، امریکا کوشش میکند تا نیرو های یک کشور مسلمان دیگر را وارد افغانستان سازد. کشور بنگله دیش یکی از کشور های فقیر دنیاست و نیرو های نظامی این کشور در ماموریت های بسیاری از طرف سازمان ملل شرکت دارد و با قیمت ارزان خدمت می کند لذا در صورتیکه امریکا مقداری بیشتر بپردازد، بنگله دیش نه با دو پا که با چهار پا به طرف افغانستان چهار نعل خواهد شد. این درحالیست که همین اکنون تعداد زیادی از بنگله دیشی ها در افغانستان کار می کنند و بانک برک این کشور یکی از مؤسسات خصوصی فعال در افغانستان است و در بخش های دیگر نیز کارگران بنگله دیشی فعال هستند.

روزانه صد پولیس کشته می شود:

زمری بشری سخنگوی وزارت داخله به تاریخ ۲۶ سپتمبر در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلان کرد که در افغانستان روزانه یک صد پولیس به قتل می رسد. وی گفت که در شش ماه گذشته ۵۹۵ نفر پولیس کشته و ۱۳۴۵ نفر پولیس زخمی شده است که به این ترتیب تعداد زخمی های پولیس ماهانه به ۲۲۴ نفر می رسد. این گراف که از همه کشته های نظامی در افغانستان بیشتر است به خاطریست که برخورد جنایتکارانه با پولیس صورت می گیرد. برای پولیس نه تعلیم و آموزش درست نظامی داده می شود و نه به تسلیحات آنها توجه صورت می گیرد. پولیس در دسته

های کوچک و چون اهداف تعیین شده برای طالبان قرار داده می شوند و چون در افغانستان فقر، بیکاری و تیره روزی فوق العاده زیاد است ، لذا جوانان بیکار جبراً به صفوف پولیس کشانده میشود. بیش از ۲۵ درصد افراد پولیس معتاد به مواد مخدر اند و این خود زمینه تلفات آنها را در مقابله با مخالفان در جنگ افزایش می دهد. آمار نشان می دهد که در ولایت هلمند نیمی از پولیس این ولایت معتاد به مواد مخدر می باشد.

درین حال زمری بشری اعلان کرد که دولت تصمیم دارد تا به زودی بیست هزار پولیس محلی را در بعضی از مناطق نا آرام کشور سازماندهی کند و این پولیس به صورت محلی امنیت را در این مناطق برقرار سازد. وی می گوید که ولسوالی های گیزاب و خاص ارزگان در ولایت ارزگان، برمل، جاجی و دند پتان ولایت پکتیا و پکتیکا، شیندند ولایت فراه، ارغنداب در ولایت قندهار و ولسوالی پشترود ولایت فراه در زمان حاضر تحت پوشش جذب پولیس محلی قرار دارند.